

دربارهٔ تور آسیایی ترامپ

پشت دیوار چین



سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزهٔ بین‌الملل

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای سفری شش‌روزه راهی شرق آسیا شده است.

تور کنونی جدی‌ترین برنامه خارجی رئیس‌جمهور آمریکاست و شامل حضور در مالزی برای شرکت در نشست آسه‌آن، سفر به ژاپن و دیدار از کره جنوبی برای مشارکت در اجلاس «همکاران اقتصادی آسیا – پاسیفیک» می‌شود.

ابعاد سفر

ترامپ در مالزی با سران کشورهای عضو «اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا» موسوم به آسه‌آن دیدار می‌کند. کشورهای برونئی، کامبوج، اندونزی، لائوس، مالزی، میانمار، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و ویتنام عضو این اتحادیه هستند. کلیت اعضای آسه‌آن مدت‌هاست علی‌رغم تمایل برخی از آن‌ها به چین و بعضی دیگر به آمریکا، در رقابت ابرقدرت‌ها برای جلوگیری از آسیب‌دیدیشان، وارد نشده‌اند.

ترامپ علاوه بر این کشورها، از ژاپن و کره جنوبی، دو متحد اصلی خود در شرق آسیا دیدار می‌کند که ارتش آمریکا در آن‌ها حضور نظامی سنگینی دارد. سومین طرف گفت‌وگو برخی از قدرت‌های حاضر در نشست مالزی مانند برزیل هستند. ترامپ روز گذشته در حالی با لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور برزیل دیدار کرد که تا چندی قبل روابط تیره‌ای با او داشت.

باین‌وجود ناندرا مودی، نخست‌وزیر هند به سخنرانی مجازی اکتفا کرد تا برخی حضورنیاقتن او در مالزی را مواجه نشدنش با ترامپ عنوان کنند. چهارمین طرف مهم اما چین است که با آمریکا در میانه یک نبرد مهم قرار دارد و جنگ تجاری یک طرف آن است.

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا دیروز (یکشنبه) در بیانیه‌ای از برخی

واقعیت عمومی دربارهٔ رئیس‌جمهور آمریکا حضور میلیونی مردم مالزی

و کره جنوبی است نه دیدار تحقیرآمیز حکام قطر در هواپیما

جهنم ترامپ



علی ملکی
خبرنگار حوزه سیاست

کنش‌های سیاسی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در دو سطح قابل‌ارزیایی است. سطح نخست بسته به نوع کنش متغیر است و می‌تواند اهدافی اقتصادی، امنیتی یا ژئوپلیتیکی داشته باشد؛ اما سطح دوم که برای ترامپ اهمیت بیشتری دارد بعد رسانه‌ای اقداماتش است و فارغ از نتیجه می‌خواهد بازنمایی مثبتی از تصویرش در افکار عمومی ترسیم کند. سفر ۵ روزه رئیس‌جمهور آمریکا به آسیا در همین سطوح قابل‌بررسی است. او از ابتدای دولت دوم خود با جنگ تجاری به سراغ کشورهای مختلف رفت و روابط ایالات متحده با بسیاری از کشورهای هم‌سو را مختل کرد. از سوی دیگر، ترامپ در عرصه داخلی با تعطیلی دولت فدرال و اعتراضات گسترده‌ای تحت عنوان «نه به پادشاه» (No Kings) مواجه است و تلاش دارد تا با دستاوردی خارجی در آسیا و به‌ویژه در مقابل چین به‌عنوان رقیب سنتی خود، کارنامه خود را از وضعیت ناترازی خارج کند. در این خصوص او سفرش را از مالزی آغاز کرده و توافق تجاری جدیدی با این کشور امضا کرد. هم‌زمان با این سفر، اعتراضات گسترده‌ای در «کوالا لامپور» با پایتخت مالزی در اعتراض به حضور ترامپ در این کشور شکل گرفته است.

ترامپ همچنین قصد دارد در حاشیه اجلاس آسه‌آن (ASEAN)، با رهبران کشورهای جنوب شرقی آسیا دیدار کند. دومین کشور میزبان ترامپ، ژاپن است که تابستان امسال به ترامپ وعده داد در ازای جلوگیری از تشدید تعرفه‌ها، «۵۵۰ میلیارد دلار» به اقتصاد آمریکا تزریق کند. کره جنوبی، سومین ایستگاه آسیایی سفر ترامپ است. این کشور میزبان اجلاس اپک (APEC) خواهد بود. سنول هم مانند تکیو متعهد شده است برای جلوگیری از خطر جنگ تعرفه‌ای، «۳۵۰ میلیارد دلار» در آمریکا سرمایه‌گذاری کند؛ اما هنوز تعرفه‌های ۲۵ درصدی بر صنایعش پابرجاست. اما در حوزه بازنمایی رسانه‌ای، ترامپ، دوباره زمین کشورهای عربی را برای این بازی انتخاب کرد. از تولید عبارت «گاوشیرده» برای عربستان سعودی تا نمایش‌های رسانه‌ای هنگام عقد قراردادهای تجاری در قطر، عربستان و امارات و تشبیه نماینده امارات به «پول‌زیاد» در نشست «شرم‌الشیخ» ترامپ بارها شیوخ عربی را به‌عنوان نقش‌مکمل نمایش‌های خود انتخاب کرده است. هواپیمای ترامپ در حاشیه دومین سفر او به آسیا، ساعاتی در پایگاه العبدید قطر برای سوخت‌گیری توقف کرد. شیخ تمیم بن حمد بن آل ثانی، امیر

توافقات تجاری میان دو کشور داده و اعلام کرد: «از افزایش تعرفه کالا‌های چینی جلوگیری شد و پکن موافقت کرد که اجرای نظام جدید صدور مجوز صادرات عناصر نادر خاکی را به مدت یک سال به تعویق بیندازد.» براین اساس قرار شده ترامپ نیز تصمیم خود برای اعمال تعرفه ۱۰۰ درصدی بر واردات از چین را فعلاً اجرایی نکند.

نکات

درباره سفر ترامپ به شرق آسیا نکاتی در ادامه آمده‌اند.

۱. صلح‌نامه‌های خیالی

ترامپ در جریان سفر خود به مالزی دیداری چهارجانبه با نخست‌وزیر دولت میزبان و رؤسای دولت‌های تایلند و کامبوج داشت. این دو کشور اواسط تابستان درگیری‌های خفیف و چندروژه مرزی داشتند که در زمان اوج، شامل استفاده از راکت‌های کوتاه‌برد می‌شد. باین‌حال ترامپ خود را به‌گونه‌ای وارد ماجرا کرده و بعدها ادعا کرد وی باعث اتمام درگیری‌ها شده است. او هم‌زمان با درگیری‌ها گفته بود در صورت ادامه تنش با آن‌ها قرارداد تجاری امضا نخواهد کرد. بر همین اساس در نشست چهارجانبه به طور رسمی پیمان صلح کامبوج – تایلند که به «توافق‌نامه‌های صلح کوالالاامپور» نام‌گذاری شده بود، امضا شد. آنچه رئیس‌جمهور آمریکا دراین خصوص ترتیب داد جنبه نمایشی اغراق‌آمیزی داشت. در جهان حتی پس از جنگ‌های بزرگ احتمال دارد توافق جامعی به امضا نرسد، اما ترامپ خواسته بود تایلند و کامبوج پس از شلیک چند گلوله تفتنگ در مرز با یکدیگر توافق صلحی امضا کنند که با نام برطوطراق «توافق‌نامه‌های صلح کوالالاامپور» شناخته شود.

۲. امنیت ژاپن و کره جنوبی

ژاپن به همراه کره جنوبی به طور فزاینده‌ای احساس ناامنی دارند. این قضیه در

درجه اول به کره شمالی بازمی‌گردد. ارتش کره شمالی در دو سطح بازدارندگی اتمی و متعارف پیشرفت داشته است. بازدارندگی اتمی پیونگ‌یانگ باعث خواهد شد واشنگتن که خاک خود را در معرض حمله اتمی می‌بیند در برابر حملات این کشور به همسایگان خود دخالتی نکند و سلاح‌های متعارف کره شمالی نیز می‌توانند باعث یکسره شدن کار کره جنوبی شوند. در اینجا خطر موجود پیش روی کره جنوبی قرار دارد؛ اما خطری که ژاپن را تهدید می‌کند تغییر شسیدب موازنه قوای منطقه‌ای در صورت از دست‌رفتن کامل شبه‌جزیره کره است.

۳. چین

رقابت با چین مهم‌ترین پرونده رئیس‌جمهور آمریکاست. هیچ کشوری در جهان به جز چین از نظر مجموع قوای اقتصادی، نظامی، فناوری و ویژگی‌های وسعت و جمعیت قادر به روبرایی با آمریکا نیست.

اگر تسلط اقتصادی و فناوری آمریکا از دست برود به‌تبع آن موازنه از نظر نظامی نیز تغییر می‌کند. باین‌حال قدرت‌گیری چین عمقی در شرق آسیا دارد؛ نه تنها چین در حال قوی‌تر شدن است، بلکه در منطقه‌ای واقع شده که ازاین‌پس نقطه ثقل ثروت جهانی است.

ازاین‌رو چین در صورت موفقیت نه‌تنها خود به اقتصاد اول جهان تبدیل می‌شود، بلکه در شرق آسیا نیز دست برتر را کسب می‌کند. آمریکا خود نیز چنین تجربه‌ای را برای تبدیل‌شدنت به قدرت برتر جهان طی کرد. پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا بزرگ‌ترین اقتصاد جهان بود؛ اما تسلط بر اروپای غربی موفق شد در رقابت با شوروی دست برتر را داشته باشد.

در کنار شوروی در بلوک شرق کشورهای کوچک و کم‌قدرت‌تری مانند لهستان، آلمان شرقی و بلغارستان قرار داشتند؛ اما در اروپای غربی انگلیس، فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا و اسپانیا به‌عنوان اقتصادهای پیشرو در صف آمریکا قرار گرفتند.

همچنین ژاپن به‌عنوان یک قدرت اقتصادی دیگر در صف آمریکا بود. در دهه ۱۹۸۰ میلادی بیسم آن می‌رفت که ژاپن و آلمان غربی در اقتصاد از آمریکا پیشی گرفته و جایگاه این کشور را تهدید کنند؛ حال‌آنکه هر سه کشور در یک مجموعه سیاسی حضور داشته و در مقابل شوروی صف‌آرایی کرده بودند.

امروزه نیز آمریکا خود اقتصاد اول بوده و به جز چین که دوم است، دیگر قدرت‌های اقتصادی را عمدتاً زیر چتر خود گرفته است. اگر در آینده قدرت چین بیش از امروز رشد کند، خواهد توانست در اتصال با دولت‌های شرق آسیا و با دولت‌های اوراسیایی وضعیتی همانند آمریکای پس از جنگ جهانی دوم بیابد.

چین در کنار روسیه و اقتصادهای نوظهوری مانند اعضای بریکس قادر خواهد بود دستسب برتر را کسب کند. در آینده که دولت‌های اروپا و غربی به نسبت اقتصادهای نوظهور، تنزل کنند، آمریکا هر چند مقام دوم را در رتبه‌بندی جهانی خواهد داشت؛ اما شساهد جمع چین به‌عنوان اقتصاد اول با باقی رتبه‌های برتر خواهد بود. براین اساس آمریکا دو کارویژه در برابر چین دارد؛ اول مهار چین از نظر قدرت داخلی و دوم اتصال و هماهنگی کامل آن با شرق آسیا. این اقدامات اما بسیار دشوارند. آمریکا حتی در برابر دیگر دولت‌ها و گروه‌های کوچک‌تر از چین موفق نبوده و از شسانس بد، بر خلاف پکن که تقریباً تنها واشنگتن را در برابر خود دارد، آمریکایی‌ها با دوچین رقیب و دشمن از شرق اروپا گرفته تا غرب آسیا و آمریکای لاتین روبرو هستند.

روسیه و ایران، دو دولت معارض با آمریکا نه‌تنها در مرکز و خاک خود قدرتی بزرگ برای مبارزه با طرح‌های آمریکا به‌حساب می‌آیند، بلکه هرکدام متحدانی نیز در محیط پیرامونی با دیگر نقاط جهان در این مسیر دارند. به این دلایل آمریکا کار دشواری برای استفاده از برتری‌اش در گسترش جهانی بر چین دارد. چینی‌ها از نظر نظامی در جهان گسترش نیافته‌اند؛ اما آمریکا گسترش‌یافته ولی معارضان این گسترش در سراسر جهان، و ویژگی برتر واشنگتن را خشی کرده‌اند. آمریکا گرچه در اروپا حضور دارد؛ اما وجود روسیه این قوا را علیه چین، خودبه‌خود خشی کرده است.

احسان کیانی، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

چین می‌خواهد تایوان فریز شود

کاهش داده است. بر همین اساس، اکنون به دنبال نوعی تعامل برای دستیابی به توافق تجاری است. چین نیز در پی آن است که با کاهش تعرفه‌های صادراتی خود، هم بازار آمریکا را حفظ کند و هم از شدت فشارها در مسائل امنیتی نظیر تایوان و هنگ‌کنگ بکاهد؛ به‌ویژه در موضوع تایوان، این نکته حائز اهمیت است، زیرا نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد مردم چین هنوز همراهی لازم را برای اقدام تهاجمی علیه تایوان ندارند. ازاین‌رو، چین تمایل دارد موضوع تایوان را «فریز» کند. به نظر نمی‌رسد ترامپ نیز با فریز شدن مسئله تایوان مخالفتی داشته باشد، اما باید بتواند یک دستوراد اقتصادی در حوزه داخلی برای خود رقم بزند. به نظر می‌رسد احتمال توافقی با چین چندان بالا نیست، اما اندک هم نیست؛ می‌توان گفت حدود پنجاهپنجاه است. این امر بستگی دارد به میزان سرسختی ترامپ و توانایی او در ارائه رسانه‌ای این موضوع؛ چراکه اهمیت این مسئله در نحوه نمایش و فاکتور کردن آن در فضای رسانه‌ای بیش از ماهیت واقعی توافق است.»

قطر آلترناتیوی جزبذیرش ترامپ به آن شکل نداشت

کیانی درباره حضور امیر قطر در هواپیمای ترامپ گفت: «نکته اول اینکه اصلاً آیا طرف عربی این رفتار را تحقیرآمیز می‌داند یا نه؟ ما معمولاً از زاویه دید خودمان قضاوت می‌کنیم. یعنی از پس ذهن خودمان می‌گوییم قطر تحقیر شد، بله، مثلاً اگر ترامپ چنین کاری با ما می‌کرد، حتماً می‌گفتیم ما را تحقیر کرده است یا شاید حتی بخشی از کشورهای غربی هم چنین نظری داشته باشند؛ شبیه برخی جلسات که در کاخ سفید برگزار می‌شود. اما آیا رهبر عربی چنین تفکری دارد؟ به نظر من چنین تفکری ندارد؛ یعنی این رفتار را تحقیرآمیز نمی‌داند. چرا؟ چون می‌گوید من میزبان رئیس‌جمهور آمریکا بودم؛ رئیس‌جمهور مهم‌ترین و قدرتمندترین کشور دنیا. از نظر او این رفتار تحقیرآمیز نیست. نکته دوم اینکه حتی اگر فرض کنیم این رفتار تحقیرآمیز باشد، مگر آلترناتیو دیگری دارد؟ او از نظر نظامی و دفاعی وابسته به آمریکاست و امنیت خود را مدیون چتر نظامی آمریکا می‌داند. درست است که با حمله اسرائیل به قطر این چتر تا حدی مخدوش شده، اما به‌رحال باز هم آلترناتیو دیگری ندارد. نه چین، نه روسیه و نه هیچ بازیگر دیگری آن سطح از پشتیبانی دفاعی را که آمریکا به کشورهای عربی می‌دهد، ارائه نمی‌کند.

به جز در مورد تهدید اسرائیل، در قبال سایر تهدیدسات این چتر دفاعی هنوز کار می‌کند. به همین خاطر آن‌ها مجبورند به این رفتار ادامه دهند.»

فرصت‌ها و محدودیت‌های ترامپ در شرق

احسان کیانی، کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به موقعیت دشواری که ترامپ در عرصه داخلی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند گفت: «به‌تدریج از زمستان امسال رقابت‌های کنگره آغاز می‌شود و در حال حاضر، وضعیت برای جمهوری‌خواهان مناسب نیست. بعید است ترامپ بتواند در «کوتاهمدت» دستوراد داخلی خاصی ارائه دهد برای مثال در موضوع تورم، هزینه‌های مسکن و درمان، اشتغال و حتی مهاجرت؛ در کوتاهمدت قادر به حل این مسائل نخواهد بود؛ حتی موضوع دیوار جنوبی نیز از همین جنس است. بنابراین، بهتر است یک دستوراد خارجی ایجاد کند که از نظر زمانی در کوتاهمدت قابل ارائه باشد؛ چیزی شبیه یک توافق با پیوستن کشوری به اتلافی با آمریکا. در این حوزه، سه پرونده در دستور کار قرار دارد: جنگ اوکراین، پرونده عربستان و توافق ابراهیم و جنگ تجاری با چین. ازاین‌رو، تمام تمرکز سیاست خارجی بر این سه پرونده قرار گرفته تا بتواند آن‌ها را در بازه شش تا ۹ ماه آینده به سرانجام برساند و موقعیت حزب جمهوری‌خواه در رقابت‌ها را تقادحد. محدودیت‌هایب مشخص است؛ در حوزه جنگ اوکراین، سرسختی روسیه وجود دارد؛ در حوزه توافق ابراهیم پیامدهای جنگ بر وجهه اسرائیل و آمریکا سنگینی می‌کند و در حوزه جنگ تجاری، چین امتیازاتی مطالبه می‌کند که اعطای آن‌ها باید برای فضای داخلی سیاست‌گذاری آمریکا قابل توجیه باشد تا کنگره و افکار عمومی آن را بپذیرند.»

چین هم می‌خواهد از فشارهای امنیتی بکاهد

کیانی با اشاره به اینکه ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری خود، با طرح تعرفه‌ها، در پی جلب رضایت پایگاه اجتماعی‌اش بود، توضیح داد: «این پایگاه معتقد بود بازار آمریکا در حال از دست‌رفتن است و با جنگ تعرفه‌ای می‌توان تولید داخلی را تقویت و واردات از چین را محدود کرد. اما مشکل اینجاست محدودیت‌هایی که آمریکا و در واقع، ترامپ به دنبال آن است، با همراهی کامل دیگر کشورها مواجه نیست؛ حتی اروپا

نیز هماهنگی لازم را ندارد. به همین دلیل این انزوا و تکروری ترامپ در این زمینه میزان موفقیت اورا

